

تاریخ اجتماعی کاشان با تکیه بر یافته‌های قبرستان ملامحسن فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۱ ق)

حامد قرائتی*

چکیده

یکی از گرایش‌های مهم در مباحث تاریخی که بسیاری از فواید و نتایج تاریخی نیز وابستگی عمیقی با آن دارند گرایش تاریخ اجتماعی جوامع و تمدن‌ها می‌باشد که در سایه آن می‌توان به نقاط ضعف و قوت هر جامعه یا تمدن پی برد. در این بین قبرستان‌ها و آرامگاه‌های خاندانی و عمومی یکی از مهم‌ترین منابع، در تحلیل تاریخ اجتماعی می‌باشند که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

قبرستان ملامحسن فیض کاشانی^ع هرچند تاریخچه ای فراتر از سال ۱۰۹۱ هجری قمری ندارد ولی می‌توان آن را به لحاظ اهمیت اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی‌اش در شهر کاشان، یکی از منابع مهم در تحلیل تاریخ اجتماعی کاشان حد فاصل قرن‌های یازدهم تا پانزدهم هجری دانست؛ از این‌رو در این پژوهش سعی شده است با تکیه بر تحقیقات میدانی، یافته‌هایی مرتبط با تاریخ اجتماعی کاشان و چگونگی استخراج آن‌ها به صورت اجمالی ارائه شود.

واژگان کلیدی

تاریخ اجتماعی کاشان، قبرستان‌های کاشان، ملامحسن فیض کاشانی^ع.

* دانش‌آموخته سطح سه مرکز تخصصی تاریخ و رشته تاریخ تشیع حوزه علمیه قم.

تاریخ اجتماعی، روی کردی جدید در تحلیل وقایع و حوادث تاریخی است که در سایه آن می‌توان علل و زمینه‌ها و همچنین آثار و پی‌آمدهای گسترده و بعضاً ناآشکار اجتماعی هر حادثه را پی‌گیری نمود؛ علل و نتایجی که تاریخ‌نویسان، به عمد یا از روی غفلت به آن توجه نکرده‌اند و خواننده را تنها از نتیجه آشکار آن حادثه تاریخی آگاه ساخته‌اند، بدون آن که وی را بر زمینه‌های پدید آمدن این حادثه یا نتایج ماندگار اجتماعی آن آگاه کنند.

این پژوهش، با تکیه بر یافته‌های میدانی یکی از گورستان‌های عمومی کاشان به نام قبرستان فیض، به صورت اجمالی، به برخی از مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی این شهر در فاصله قرن یازدهم تا حال حاضر می‌پردازد، گرچه به علت استفاده نکردن از سنگ‌نوشته و از میان رفتن قبرهای متوفیان سده‌های گذشته، غالب یافته‌های میدانی این پژوهش به سده اخیر مربوط می‌شود. گفتنی است که برای بهره‌مندی بیشتر از این دسته از منابع، به کارگیری علوم چون باستان‌شناسی، خط‌شناسی، تبارشناسی و سبک‌شناسی معماری، ضروری است؛ اما هدف غایی این پژوهش، بیشتر روی کردی روشی و توجه دادن پژوهش‌گران تاریخ اجتماعی به گورستان‌هاست که از غنی‌ترین، در دسترس‌ترین و معتبرترین منابع تحلیل تاریخ اجتماعی جوامع واقوام محسوب می‌شود. در مورد پیشینه این تحقیق، به کتاب گران سنگ *تاریخ اجتماعی کاشان*، نوشته جناب آقای حسن نراقی می‌توان اشاره کرد. نویسنده محترم در این کتاب، به این گورستان و جایگاه اجتماعی آن در مقاطع مختلف تاریخی توجه چندانی نداشته، ولی به دلیل انتسابشان به خاندانی سرشناس در کاشان و بهره‌مندی از منابع شفاهی، شناسنامه دقیقی از شاخص‌های تاریخ اجتماعی این شهر، آورده‌اند. کتاب *مرآة القاسان*، اثری دیگر در این حوزه است. این کتاب را توسط عبدالرحیم کلانتر ضربابی در تاریخ ۱۲۸۸ قمری نگاشت و بعدها به کوشش ایرج افشار، با نام *تاریخ کاشان* منتشر شد. این اثر علی‌رغم قدمتش، دارای همان نقاط ضعف و قوت کتاب پیشین است.

مفهوم‌شناسی

الف) کاشان

در وجه تسمیه کاشان، نظریه‌های متفاوتی وجود دارد. به عقیده «لرد کرزرن»، کاشان ترکیبی از «کی آشیان» و به معنای جایگاه پادشاهان بوده است.^۱ ملک الشعراى بهار نیز کاشان را در شعری چنین بیان می‌کند:

لفظ کاشانه و کاشان به لغت‌های قدیم معبد و جایگاه جشن و دل‌آسایی بود

به عقیده پرفسور گریشمن، که نام کاشی و کاشانه از تغییر نام قوم کاسی و کاسیان به وجود آمده که در میانه هزاره دوم پیش از میلاد، در مغرب فلات ایران می‌زیسته‌اند.^۲

کاشان از قدیمی‌ترین شهرهای ایران و دومین شهر بزرگ استان اصفهان است. این شهر با مساحتی در حدود پنج‌هزار کیلومتر مربع در ۵۱ درجه و ۲۷ دقیقه طول شرقی و ۳۳ و ۵۹ دقیقه عرض شمالی واقع شده و از شمال و شمال غربی به استان قم و از جهت شرق و شمال شرقی به دشت کویر و شهرستان آران و بیدگل، از سوی جنوب به اصفهان و نطنز و از سمت غرب به گلپایگان و محلات محدود می‌شود.

این شهر با پیشینه تاریخی و اجتماعی هفت هزار ساله، مهد کهن‌ترین تمدن بشری دانسته می‌شود.^۳ زیرا قدیمی‌ترین محل سکونت بشری که در دشت‌ها شناسایی شده، تپه‌های «سیلک»^۴ در سه کیلومتری جنوب غربی کاشان است.^۵ در اوایل دوره اسلامی کاشان، از جمله بلاد منطقه جبال دانسته می‌شد؛ ولی به تدریج و به‌ویژه در عهد صفویه به بعد، ولایت کاشان یکی از شهرهای عراق عجم به شمار آمد و در این زمان، به «دارالمؤمنین» شهرت یافت.^۶ این شهر به شهادت وجود اماکن و مجموعه‌های عظیم

۱. هنگامه دولتشاهی، کاشان نگین کبیر، ص ۸.

۲. همان.

۳. حسن نراقی، تاریخ اجتماعی کاشان، مقدمه، ص ۳.

4. "Sialk"

این تپه‌ها از قدیمی‌ترین سکونت‌گاه‌های اقوامی با تمدن چند صد هزار ساله است که بدون انقطاع، از هزاره هفتم تا سده‌های آخر هزاره چهارم پیش از میلاد، در آن می‌زیسته‌اند این اثر تاریخی که از دو تپه شمالی و جنوبی به فاصله تقریبی ششصد متر تشکیل شده، پروفسور رومن گیرشمن، باستان‌شناس فرانسوی نخستین بار آن را کاوش کرد.

۵. کاشان نگین کبیر، ص ۳۶.

۶. همان، ص ۶.

مذهبی و فرهنگی هم‌چون زیارت‌گاه‌ها، مساجد، حسینیه‌ها و تکایای متعدد، از ارادت دیرینه و خالصانه مردمان آن به دین اسلام و مذهب تشیع حکایت می‌کند. سابقه مدنیت و رواج علم و هنر و صنعت، این شهر را در ادوار مختلف تاریخی، در زمره شهرهای آباد قرار داده و مفاسدی چون دزدی، راه‌زنی، قتل و غارت کشمکش‌های قبیلگی و طایفه‌ای، دسته‌بندی‌های نژادی و زبانی، جهل عمومی و بی‌سوادی و دیگر معایبی که ممکن بود در دیگر شهرها یافت شود، در تاریخ کاشان کمتر به چشم می‌خورد. البته عواملی را در افول این شهر در سده‌های اخیر می‌توان مؤثر دانست؛ از جمله: ورود کارخانه‌های صنعتی در عهد ناصرالدین شاه و تمرکز امکانات در پایتخت و برخی نابسامانی‌ها به‌ویژه در اواخر دوره قاجار و پهلوی که همگی از عوامل عمومی و فراگیر محسوب می‌شوند.

موقعیت طبیعی کاشان به گونه‌ای است که در ناحیه مرکزی ایران قرار دارد، به‌طوری‌که از جانب شمال و شرق به کویر مرکزی و از سمت جنوب و غرب به سلسله‌جبال مرکزی محدود می‌شود. از این رو، آبادی‌هایی که در مناطق جنوبی و غربی شهرستان قرار دارند، دارای آب و هوا و ویژگی‌های اجتماعی مناطق کوهستانی و مناطقی که در جهات شمالی و شرقی واقع شده‌اند دارای ویژگی‌های مناطق کویری هستند.

قرار گرفتن کاشان حد فاصل در دو منطقه متفاوت آب و هوایی و فرهنگی و هم‌خوانی با موقعیت‌های طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این مناطق، از ویژگی‌های ممتاز این شهر به شمار می‌رود. زیرا در حال حاضر، در فاصله پانزده کیلومتری شمال این شهر، مناطقی کوهستانی و سردسیر با محصولات کشاورزی و صنعتی مخصوص این مناطق و در فاصله پانزده کیلومتری شمال آن، مناطقی کاملاً کویری با ویژگی‌های اختصاصی این مناطق به لحاظ اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی قرار دارد و کاشان با حفظ ارتباط مستقیم و مستمر با هر دو گونه مناطق، سازگاری همه‌جانبه‌ای را با هر دو موقعیت ایجاد کرده است؛ به‌طوری‌که در بازارهای آن، هم محصولات و نیازمندی‌های مناطق کوهستانی و هم مناطق کویری یافت می‌شود.

ب) گورستان‌های کاشان

قبرستان قدیم شهر تا اوایل دوره صفویه، عموماً در حومه و خارج حصار شهر قرار داشته‌اند و تنها از سده دهم هجری به بعد، در اثر مرمت و تجدید بنای بقاع امام‌زادگان

داخل شهر و یا ناامنی در اطراف و خارج حصار شهر، اقبال عمومی برای دفن اموات در جوار این مراقد، رو به فزونی گذارد^۱ و به مراقد علما و بزرگان دینی نیز سرایت نمود؛ به طوری که گورستان‌هایی در داخل شهر و حتی محلات پدید آمد؛ از جمله: گورستان سلطان میراحمد، پنجه‌شاه، دروازه عطا و در باغ. در دوره پهلوی در مرحله نخست، دفن اموات در بقاع و گورستان‌های داخل شهر ممنوع گشت و در مرحله بعدی، این گورستان‌ها با احداث میدان و خیابان و دیگر مکان‌های عمومی، از میان برداشته شد.^۲ شاید همین امر، احداث و یا رونق گورستان‌هایی را موجب گشت. که در حاشیه و یا حومه شهر واقع بودند؛ مانند قبرستان ملامحسن فیض کاشانی.

ج) ملا محسن فیض کاشانی

محمدبن شاه مرتضی (۹۵۰-۱۰۰۹ق) پسر شاه‌محمود، ملقب به محسن از بزرگ‌ترین علمای امامیه در قرن یازدهم قمری است. وی در چهارده صفر سال ۱۰۰۷ قمری در کاشان به دنیا آمد. پدرش ملقب به رضی الدین، از علمای بزرگ کاشان و دارای کتاب‌خانه بزرگی در این شهر بود.^۳

ملامحسن که استاد و پدرزنش صدرالدین محمد شیرازی (م ۱۰۵۰ق) به او لقب فیض داد،^۴ مراحل رشد علمی خود را با فراگیری علوم چون تفسیر، حدیث، فقه، ادبیات و منطق در زادگاهش و در نزد نورالدین محمد، دایی‌اش آغاز کرد و در بیست سالگی، در سال ۱۰۲۶ قمری عازم اصفهان شد. او پس از فراگرفتن علوم چون ریاضیات، به قصد بهره بردن از محضر سیدبحرانی (م ۱۰۲۸ق) ره‌سپار شیراز شد و از استاد خویش در علم فقه و حدیث بهره برد. فیض پس از آن دوباره به اصفهان مراجعت کرد و محضر شیخ بهاءالدین محمد عاملی (م ۱۰۳۱ق) را درک نمود و از وی اجازه نقل حدیث گرفت. وی در سال ۱۰۲۹ قمری به قصد انجام دادن فریضه حج عازم حجاز شد. و در این سفر نیز پس از درک محضر شیخ محمدبن حسن عاملی (م ۱۱۱۰ق) از وی نیز اجازه نقل حدیث گرفت. ملامحسن فیض پس از مراجعت از سفر حج، به مدت هشت سال در محضر استاد و پدرزن آینده خود صدرالدین محمد شیرازی در شهر قم رحل اقامت افکند. پس از آن که

۱. تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۱۹۷.

۲. حسن نراقی، آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز، ص ۱۴۳.

۳. فهرست‌های خودنوشت فیض کاشانی، ص ۲۸.

۴. کورش زعیب، مردان بزرگ کاشان، ص ۸۶.

ملا صدرا را به شیراز تکلیف نمودند، مدت دو سال از عمر خویش را در شیراز سپری کرد. وی سپس به کاشان بازگشت و به تحقیق، تألیف و ترویج امامت جمعه و جماعات در این شهر همت گماشت.^۱

ملا محسن یکبار در بین سال‌های ۱۰۴۱ و ۱۰۵۱ قمری توسط شاه صفی صفوی (م ۱۰۲۱ ق) و بار دیگر در سال ۱۰۶۴ قمری توسط شاه عباس (م ۱۰۷۷ ق) دوم به جهت استفاده بیشتر از کمالات علمی و اخلاقی وی، به اصفهان فرا خوانده شد. او بار نخست از پذیرش دعوت شاه صفوی عذر آورد ولی پس از مسافرت شاه عباس دوم به کاشان و ملاقات با او در سکونت‌گاهش در قمصر، درخواست شاه را اجابت کرد و در سال ۱۰۷۱ قمری پس از تعمیر مسجد جامع اصفهان، اقامت جمعه و جماعات در آن را به عهده گرفت. فیض پس از درگذشت شاه عباس دوم، دگر بار به موطن خود مراجعت کرد و گاهی در قمصر و گاهی در کاشان، به درس و بحث و تألیف همت گمارد؛ به طوری که در همین دوره، بسیاری از کتاب‌های مهم خویش همچون: *الصفافی، الاصفی، الشافی، اصول المعارف، الحقایق فی اسرار الدین، بشاره الشیعه، الکلمات العلیه* را به رشته تحریر درآورد.^۲ او علاوه بر آثار متعدد علمی، شاگردانی چون فرزندش علم الهدی (۱۰۳۹ - ۱۱۱۵ ق)، ملا قاضی محمدسعید قمی، ملا لطف‌الله شیرازی، ملا عبدالرشید، محمدهادی و محمد مؤمن برادرزادگانش را از خود برجای گذاشت. ویژگی کم‌نظیر این دانش‌مند کاشانی، تبحر و احاطه او در علوم مختلفی از معقول و منقول، شعر و ادب و عرفان است؛ چنان‌که وی در غالب این علوم، دارای تألیفاتی بود. سید نعمت‌الله جزایری (م ۱۱۱۲ ق) در کتاب *مقامات*، آثار فیض علیه السلام را بالغ بر دویست جلد می‌داند که برخی از آنها به جز کتاب‌های پیشین، عبارتند از: *الوافی، المصفی، عین الیقین، علم الیقین، حق الیقین، الحقایق و نوادر*.^۳ ملا محسن فیض علیه السلام، در توصیف برخی از آثار خود چنین می‌سراید:

از ایشان *وافی* و *صافی* فقیهان را بود کافی
از این دو بهر عقبی نردبانی کرده‌ام پیدا
وی در نهایت در سه‌شنبه ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۰۹۱ ق در ۸۴ سالگی در کاشان وفات یافت.

۱. فهرست‌های خودنوشت فیض کاشانی، ص ۲۹.

۲. همان، ص ۳۰-۳۲.

۳. برای اطلاع بیشتر از آثار فیض، می‌توان به آثار منتشر شده به مناسبت کنگره جهانی بزرگداشت ملا محسن فیض کاشانی مراجعه کرد. (فهرست‌واره نسخه‌های خطی آثار علمی فیض کاشانی، به کوشش سید محمود مرعشی و محمدحسین امینی؛ کتاب‌شناسی فیض کاشانی، به اهتمام محسن ناجی نصرآبادی).

د) قبرستان فیض^۱

این قبرستان در جهت غرب شهر و در حوالی دروازه قدیم فین^۱ و در مجاورت آرامگاه ملامحسن قرار دارد. بنا به گفته متولیان آرامگاه، این قبرستان پیشینه‌ای بیش از سال فوت ملا محسن، ندارد؛ زیرا در عصر او به دلیل برخی کج اندیشی‌ها در مورد وی و اتهامش به تصوف، از دفن جنازه وی در قبرستان عمومی شهر جلوگیری شد و جنازه وی در خانه و باغ شخصی‌اش و در سردابه‌ای که بعدها دو فرزند دیگرش هم در آن مدفون شدند، به خاک سپرده شد. در دوره‌های بعد، به جهت تبرک‌جویی مردم به مرقد وی،^۲ قبرستان بزرگی در مجاورت آرامگاه او پدید آمد.

مرقد ملامحسن مشتمل بر صحن، سردر و حجراتی پیرامون قبر وی می‌باشد، بجا مانده از دوره زندیه و قاجار است.^۳ مهم‌ترین مرحله در تکوین این آرامگاه، به‌زمان فرهاد میرزا معتمدالدوله نایب‌السلطنه قاجار (م ۱۳۰۵ق) برمی‌گردد که در بازگشت از سفر دوم به ایالت فارس در سال ۱۲۹۶ قمری، در کاشان اقامت کرد و به فرمان او، در پیرامون آرامگاه وی ابنیه، ایوان و صفه‌های متعددی ساخته شد.^۴ قبر وی بنا به وصیتش بدون گنبد و قبه، در زیر آسمان قرار دارد و تنها معجری آهنین بر آن قرار گرفته و روی سنگ قبر وی چنین نوشته‌اند «قبض المعتمصم بحبل الله المؤمن المہيمن محمد بن مرتضی المدعو بمحسن سنه احدی و تسعین و الف و هو ابن اربع و ثمانین حشره الله مع المعصومین»^۵.

تاریخ اجتماعی با تکیه بر یافته‌های این قبرستان

همان‌طور که گذشت، قدمت و پیشینه تاریخی این قبرستان به فراتر از قرن یازدهم نمی‌رسد، لذا یافته‌ها و نتایج این پژوهش به قرن‌های متأخر و حتی عصر حاضر مربوط می‌شود؛ برخی از این یافته‌ها عبارتند از:

۱. روستایی در فاصله شش کیلومتری کاشان که آن را به باغ شاه و چشمه سلیمانیه می‌شناسند. این روستا اکنون یکی از محلات کاشان دانسته می‌شود.
۲. حبیب‌الله سلمانی آرانی، *سیمای کاشان*، ص ۲۳۱.
۳. افشین عاطفی، *نامه کاشان*، ص ۳۰.
۴. *تاریخ اجتماعی کاشان*، ص ۱۹۷؛ گفته متولیان.
۵. *آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز*، ص ۱۴۰.

۱. یافته‌های معماری

با توجه به نوع مصالح به‌کاررفته و شکل ظاهری مقابر و مقایسه آنها در مقاطع مختلف تاریخی، نتیجه می‌گیریم که در قرون گذشته، به دلیل دشواری حمل و نقل، و یا تأکید بر استفاده از مصالح و امکانات بومی، بیشتر قبرها با آجر و قطعات کوچک کاشی ساخته شده و تنها در دوره‌های بعد، برای حک کردن مشخصات صاحب قبر، از سنگ آن هم در ابعاد تقریبی ۲۰×۳۰ سانتی‌متر استفاده می‌کرده‌اند، استفاده از آجر در تزیین قبرها، نشان‌دهنده رواج استفاده از آجر، در نماهای معماری آن دوره و یا توجه به مقاومت و تناسب بیشتر آجر با وضعیت آب و هوایی و طبیعی این شهر کویری است. به هر ترتیب، با توجه به تواریخ حک شده بر سنگ قبرها، می‌توان رواج استفاده از سنگ در ابعاد مختلف را از دوره پهلوی دانست. استفاده از سنگ در ابعاد بزرگ‌تر نیز دارای مراحل تکوینی خاص به خود بوده؛ چنان‌که در ابتدا غالباً از سنگ‌های موجود در منطقه، متحدالشکل، تیره رنگ و بدون نقش و نگار استفاده می‌شده است. اما در عصر حاضر، نمی‌توان سبک و روش واحدی را در استفاده از سنگ قبر مشخص نمود؛ زیرا سنگ قبرها در ابعاد، رنگ‌ها و شکل‌های مختلف استفاده می‌شوند. این ناهمگونی، بیان‌گر این واقعیت است که پس از متروک‌شدن سبک‌های گذشته که با اوضاع طبیعی، فرهنگی و اجتماعی کاشان متناسب بود، سبک و الگوی شایسته‌ای، عرضه نشده است.

۲. یافته‌های اقتصادی

با توجه به نوع مصالح، شکل ظاهری و کیفیت ساخت قبرها و مقبره‌ها از جهت وسعت، معماری و در مجموع هزینه‌های ساخت و نگهداری آنها، می‌توان به رونق یا عدم رونق، همچنین توان مالی قشرهای مختلف جامعه و به‌طور کلی اقتصاد عمومی کاشان در مقاطع مختلف تاریخی دست یافت. ساخت و رواج مقبره‌های خانوادگی بزرگ با مصالح و تزیینات مرغوب در دهه‌های پایانی عهد قاجار، بیان‌گر رونق اقتصادی کاشان در این دوره است. همچنین با توجه به برخی از شهرت‌ها و پسوندهای فامیلی، می‌توان به رواج برخی حرفه‌ها و صنایع در کاشان و توارثی یا انحصاری بودن این صنایع در خاندان‌ها در مقاطع مختلف تاریخی دست یافت. برخی از این عناوین عبارتند از: حجاریان، عصارزاده، مقنی، شعرباف، رنگ‌رز، سفیدکار، پیلهوریان و غیره.

۳. یافته‌های فکری، فرهنگی و مذهبی

یکی از شاخص‌های ارزیابی تحولات فکری و فرهنگی جامعه، اقبال عمومی مردم به شخصیت‌هایی است که نماینده یک فکر و جریان دینی، مذهبی، ملی و یا نژادی، در مقاطعی از ادوار تاریخی بوده‌اند و عموم مردم و یا نخبگان آنها را پذیرفته‌اند. تمایل علما و نخبگان علمی و دینی کاشان، با صرف‌نظر از اقبال عمومی مردم برای هم‌جواری با آرامگاه ملا محسن فیض، علی‌رغم مخالفت‌هایی که برخی متفکران با آرای فقهی و فلسفی او در زمان حیاتش داشتند،^۱ بیان‌گر درک بیشتر کلام و آرای او پس از وفاتش و به نوعی تأیید اندیشه‌های اوست. برخی از این دانش‌مندان عبارتند از: حاج ملا محمدحسین معروف به حجت‌الاسلام نطنزی (م ۱۳۲۱ق) فقیه و ریاضی‌دان عصر قاجار، آیت‌الله محمد غروی کاشانی و حاج میرزا محمدبن ابی تراب نطنزی، که در سمت شمال آرامگاه و نزدیک فیض مدفون هستند؛ هم‌چنین آقا سیدمحمد علوی بروجردی (م ۱۳۶۲ق) که در سمت شرقی آرامگاه فیض مدفون است.

علاوه بر شاخص فوق، تحلیل آماری اسامی متوفیان در این قبرستان در مقاطع مختلف تاریخی، بیان‌گر رواج و گسترش افکار و اندیشه‌هایی است که در آن مقاطع، دارای حیات اجتماعی زیادی بوده‌اند. در برخی مقاطع، اسم‌هایی چون اسفندیار، ایران، سهراب، انوشیروان و بهرام، و در برخی ادوار، اسم‌های مذهبی آن هم با گرایش‌های خاص مثل شاه مرتضی، صفی‌الدین، غلامعلی و غلامعباس و در برخی از مقاطع دیگر حسین، احمد، علی، محمد و غیره، رواج می‌یافته که از شواهد گسترش جریان‌های فکری و فرهنگی حاکم بر جامعه آن عصر کاشان به شمار می‌روند. در حال حاضر، بیشترین اسم‌هایی که به متوفیان دهه‌های اخیر مربوط می‌شود، اسامی و القاب رسول گرامی اسلام ﷺ و ائمه طاهرین علیهم‌السلام و فرزندان ایشان بدون پیشوند یا پسوند و در برخی موارد، به صورت ترکیبی مانند محمدحسین و علی محمد هستند.

۱. دامنه اتهامات فیض به هند نیز گسترش یافت؛ به طوری که احمدین محمدعلی بهبهانی چون به لکنه‌و رسید، با دیدن لعن و طعن فیض، کتاب *تنبيه الغافلین* را نگاشت. او بر این باور بود که، علمای لکنه‌و تمثیلات فیض و دیگرانی چون شیخ بهایی و شیخ میثم بحرانی را به‌طور صحیح بررسی نکرده‌اند. در سده بعد نیز یوسف‌بن‌احمد بحرانی (م ۱۱۸۶ق) در قول فیض به وحدانیت وجود، حمله و او را نکوهش نمود و رساله *نفحات الملکوتیة فی الرد علی الصوفیة* را در رد صوفیه و آرای ملا محسن فیض نگاشت. شیخ علی بن محمد مشهور به شهید ثانی (م ۱۱۰۴ق) نیز نظریات فقهی فیض در مورد غنا را در ضمن دو رساله به نام‌های «رسالة فی تحریم الغنا و عمومه من حد المتعلق» و «الرد علی من بیح الغنا» نقد کند. این نظر فیض را ملا اسماعیل مازندرانی خاجوئی (م ۱۱۷۳ق) در «رسالة فی تحریم الغنا و ائمه» نیز نقد و بررسی کرد. برای مطالعه بیشتر نک: *فهرست خود نوشت فیض کاشانی*، تصحیح و تحقیق، محسن ناجی نصرآبادی، ص ۳۱-۳۲.

از دیگر شاخصه‌های فرهنگی که با تکیه بر یافته‌های این قبرستان به آن می‌توان اشاره کرد، چگونگی معرفی شخصیت حقیقی و حقوقی صاحب قبر است؛ چنان که در دوره‌های گذشته بر سنگ قبر متوفیان زن، مشخصات کمتری از صاحب قبر حک می‌شد، در برخی از آنها به عباراتی چون «کبریا بنت احمد» اکتفا می‌کردند، درحالی‌که در حال حاضر، تفاوتی از این لحاظ بین متوفیان زن و مرد نمی‌توان دید. حتی در موارد انگشت‌شماری در سال‌های اخیر، تصاویر متوفی زن، روی سنگ قبر حکاکی شده است.

۴. یافته‌های اجتماعی

با توجه به اطلاعات موجود روی سنگ قبرها، به این نتیجه می‌توان رسید که برخی از مناصب و عناوین، دارای جایگاه خاص اجتماعی در برخی از ادوار و یا غالب دوره‌ها بوده‌اند، برای مثال، قرار گرفتن در زمره مفاخری چون سادات، عالمان دین، معلمان قرآن، ذاکران و مداحان اهل بیت علیهم‌السلام و خانواده شهدا، از آن جمله‌اند. همچنین حفظ سلسله‌نسب، از دیگر مسائلی است که اهتمام به آن را در برخی نوشته‌های سنگ‌ها می‌توان دید؛ چنان‌که حک نمودن شجره‌نامه بر سنگ قبر، به‌ویژه در مورد سادات و بزرگان و یا اختصاص مکان و مقبره برای خاندانی معین، از تدابیر مردم در حفظ نسب و خاندان خود دانسته می‌شود. در حال حاضر، بیش از بیست مقبره خانوادگی در قبرستان فیض وجود دارد که به لحاظ قدمت، وسعت و معماری، هر کدام دارای ویژگی‌های خاص به خود است.

تحلیل آماری، زمان، سال و علت مرگ درگذشتگان و حتی توسعه گورستان، از دیگر یافته‌های قبرستان فیض به‌شمار می‌آید که می‌توان آن را در حوزه علوم اجتماعی دانست. بدین صورت پی‌آمدهای برخی از حوادث طبیعی مانند سیل، زلزله و قحطی و برخی از بحران‌های اجتماعی مانند وقوع جنگ‌ها، قتل و غارت‌ها، تعیین سطح امنیت اجتماعی و همچنین برآورد رشد یا نزول شاخص‌های رفاه و بهداشت عمومی و حتی پیش‌رفت‌های علمی و پزشکی را می‌توان تحلیل نمود. برخی از این حوادث و روی‌دادها عبارتند از:

الف) زلزله سال ۱۱۹۲ قمری

این زلزله در دوران حکومت عبدالرزاق خان بر کاشان و در سال آخر سلطنت کریم‌خان زند روی داد. این زلزله بسیاری از بناهای شهر را که عمدتاً خشت و گلی بودند، ویران ساخت و تلفاتی بالغ بر هشت هزار نفر به دنبال داشت. مهاجرت گسترده بازماندگان به مناطق و روستاهای اطراف، از دیگر پی‌آمدهای این زلزله بود. برخی از سخن‌وران آن دوره

مانند آذر شاملو، هاتف اصفهانی و صباحی بیدگلی که خود این زلزله را شاهد بودند، هر یک در قصایدی این واقعه دردناک را توصیف کرده‌اند.^۱

ب) شیوع بیماری وبا در سال ۱۲۴۴قمری

در این سال، شیوع بیماری وبا در تهران و به نقل از نویسنده کتاب *تاریخ اجتماعی کاشان*، بیش از یکصد هزار نفر تلفات به دنبال داشت. علی‌رغم فرار بسیاری از مردم کاشان به مناطق اطراف، باز هم این بیماری تلفات زیادی را برجای گذاشت.^۲ از جمله مشاهیری که در این فراگیری وبا از دنیا رفت، ملا احمد نراقی (م ۱۲۴۴ق) نویسنده کتاب *گران‌قدر معراج السعاده* بود.

ج) قحطی سال ۱۲۸۸قمری

این سال به دلیل خشک‌سالی و کمبود غله و حبوبات، قحطی سختی پدیدار شد که به گفته برخی از پژوهش‌گران، به از میان رفتن بیش از هشتاد درصد ساکنان کاشان و حومه انجامید. یک من تبریز نان، معادل نیم مثقال طلا قیمت داشت که البته آن هم یافت نمی‌شد. برخی از شعرا، در توصیف قحطی این سال آورده‌اند:

زمانی که آدم‌خوری باب گشت هزار و دویست است و هشتاد و هشت^۳

د) فتنه نایب حسین

این فتنه که پس از ده سال با اعدام وی توسط وثوق‌الدوله در بیستم ذی‌الحجه سال ۱۳۳۷قمری در تهران به پایان رسید،^۴ علاوه بر قتل و غارت‌های گسترده، آثار سوء اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زیادی به دنبال داشت.

۵. مهاجرت اقوام و اختلاط نژادی

مهاجرت اقوام و طوایف مختلف به هر شهر و یا ترک وطن اهالی، از عوامل تغییر و تحول اجتماعی جوامع به‌شمار می‌رود. بررسی یافته‌های آماری قبرستان‌ها، ما را بر چگونگی، زمان، عوامل و گستردگی این مهاجرت‌ها آگاه می‌سازد، با بررسی نام و مشخصات متوفیان قبرستان ملامحسن، به نام‌ها و پسوندهایی برخوردیم که بیان‌گر

۱. *تاریخ اجتماعی کاشان*، ص ۱۵۵-۱۵۶.

۲. همان، ص ۲۴۸.

۳. همان، ص ۲۶۴.

۴. همان، ۳۰۴-۳۱۶.

مهاجرت اتباع دیگر شهرها و کشورها به این شهر و یا سکونت بلندمدت ساکنان کاشان در بلاد دیگر است. برخی از این نامها عبارتند از: اعظم‌السادات عدنی، سیدعلی مکی، هاشم حجازی، ابراهیم مدنی، حاج احمد اسلامبولی و حسین خراسانی.

وجود قبرهای زیاد از اتباع یک یا چند کشور و حتی اختصاص قسمتی از قبرستان به آنها، از دیگر مؤلفه‌هایی است که اطلاعات مفیدی را از بافت اجتماعی هر شهر در اختیار ما قرار می‌دهد. از این رو می‌توان شاخص‌هایی را با تحلیل یافته‌های قبرستان فیض درباره مهاجران افغان که از عمده‌ترین مهاجران ساکن در این شهر در دهه‌های اخیر به شمار می‌روند، چنین ارائه نمود:

۱-۵. حجم گسترده مهاجرت و مدت سکونت این اتباع در این شهر، با توجه به وجود قبرهای متعدد ایشان در قبرستان و مقایسه آن با گستردگی مهاجرت دیگر اتباع؛

۲-۵. محاسبه زمان تقریبی شروع مهاجرت و سیر صعودی یا نزولی این مهاجرت در ادوار مختلف؛

با بررسی ابتدایی می‌توان مهاجرت این دسته از اتباع افغانستان را به سه دهه پیش مربوط دانست.

۳-۵. برخورداری از موقعیت مناسب اجتماعی در میان ساکنان بومی شهر با توجه به استفاده آنها از قطعه مرغوب از قبرستان مرکزی و مهم کاشان؛

۴-۵. انسجام درونی مهاجران به دلیل در اختیار گرفتن قسمت مشخصی از قبرستان و برگزاری مراسم‌های مرتبط با فوت شدگان در قبرستان و دیگر اماکن؛

۵-۵. تأثیرپذیری از فرهنگ عمومی کاشان با توجه به الگوگیری از آداب و رسوم، نوع و شکل سنگ قبر، جملات، اشعار و حتی نثر به کار رفته در عبارات حک شده بر سنگ قبرهای این دسته از مهاجران.^۱

۶-۵. ارزیابی بنیه اقتصادی این مهاجران در طول مدت مهاجرت و سکونت در کاشان با توجه به استفاده از نوع مصالح، سنگ قبر و قطعه‌های استفاده شده در قبرستان و کیفیت برگزاری مراسم‌های مرتبط با فوت شدگان؛

۱. برای نمونه:

نهاد گفت‌وگویم را شکستی
که چرخ آرزویم را شکستی

فلک آخر سبویم را شکستی
الهی ای فلک چرخت نگرده

با بررسی این شاخصه‌ها توان مالی نسبی این دسته از مهاجران را روندی رو به رشد می‌توان تحلیل نمود.

۵-۷. از دیگر یافته‌های آماری قبرستان فیض در مورد مهاجرت اتباع افغانستان شناسایی شهرها و ایالت‌های افغانستان است. تحلیل این یافته‌ها می‌تواند به علت، انگیزه و زمینه‌های اصلی مهاجرت آنان و انتخاب این شهر از میان دیگر شهرهای ایران، پرداخت. برخی از این مناطق و ایالت‌ها که در سنگ نوشته‌های قبرستان از آنها یاد شده، عبارتند از: اورزگان، برکه حسن رضا، مزارشریف و سرپل. از شاخصه‌هایی که به احتمال آنها را از عوامل اقبال این دسته از مهاجران به این شهر می‌توان دانست، سنتی بودن فضای فرهنگی و اجتماعی کاشان، وجود خانه‌های قدیمی و ارزان قیمت برای سکونت، آبادی روستاهای پیرامون کاشان و در نتیجه فراهم بودن فرصت مناسب برای این مهاجران برای مشاغل چون کارگری و در نهایت مهاجریزیری و نبود تعصبات نژادی در کاشان است.

۶. یافته‌های علمی و ادبی

با توجه به بررسی آماری تعداد قیور علما و بزرگان دینی در هر دوره تاریخی و میزان احترام مردم به آنها به واسطه ساخت زیارت‌گاه و مقبره، زیارت قیور و بزرگداشت یاد آنها و حتی نام‌گذاری فرزندان خود به نام ایشان، می‌توان به اطلاعاتی دست یافت؛ از جمله: رونق یا افول علوم در ادوار مختلف، رواج علوم خاص مانند تفسیر، حدیث، ادبیات، نجوم، طب و غیره، گستردگی و پویایی علمی به واسطه مهاجرت علمای دیگر بلاد به این شهر. البته برای دستیابی به چنین یافته‌هایی بررسی دیگر قبرستان‌های اختصاصی و عمومی کاشان ضروری است؛ زیرا به جز ملامحسن فیض کاشانی که اساس ایجاد این قبرستان به پاس یاد و نام اوست، غالب علمای مدفون در این قبرستان، از دانش‌مندان علوم اسلامی هستند.

رواج استفاده از شعر در جملات حک شده در سنگ‌قبرها و کتیبه مقبره‌ها، از دیگر شواهد رونق علمی چون ادبیات و شعر در برخی از مقاطع تاریخ علمی کاشان است؛ به طوری که استفاده از شعر در معرفی صاحب قبر، زندگی‌نامه و حتی اطلاعاتی چون علت مرگ در سنگ قبرها، از دیگر ویژگی‌های قبرستان فیض به‌شمار می‌رود و تحلیل سبک، مضامین و اطلاعات داده شده در این اشعار، از منابع مهم در تحلیل تاریخ اجتماعی کاشان است.

اشعار به کار رفته در سنگ قبرها را به دو گروه می‌توان تقسیم نمود: گروه نخست که به دهه‌های گذشته مربوط می‌شوند، اشعاری هستند که متضمن اطلاعاتی درباره متوفی و باورهای اجتماعی و مذهبی رواج‌یافته در آن دوره است و به لحاظ سروده‌شدن آن برای فردی خاص، دارای ارزش ادبی هستند، در برخی از این اشعار، از جملات وحتى مضامین دینی با لغات و ترکیب‌بندی عربی استفاده شده است. گروه دوم، به دهه‌های اخیر مربوط می‌شود. و از ویژگی‌های مشترک آنها احساسی، کلیشه‌ای و فاقد هرگونه اطلاعات مفید درباره متوفی و اوضاع و احوال اجتماعی و فرهنگی حاکم در زمان وی است. برخی از اشعار گروه اول عبارتند از:

شعر درباره شبید صادق سالمی (م ۱۳۶۲ش):

جان به قربان تو قربانی راه اسلام	صادق سالمی ای خطاشکن جبهه سلام
تاختی یک‌سره بر قلب سپاه صدام	پیش خیز عملیات خط خبیر
هدف تیر تنت گشت در آن شور و قیام	ناگه حمله کند و شلیک رگبار
حمل نعش تو تا فیض به تجهیز تمام	بهر تشییع، زنعش تو ملک نازل شد
مرغ روحت طیران کرد به خرد از اندام	ده اسفند سینه ۶۲ خورشیدی

شعر درباره سیدحسن سیحون (م ۱۳۵۷ش)

هان ولد للموت و ابنوا للخراب	از ملک هر روزه آید این خطاب
از کهین و از مهین و شیخ و شاب	ایها الانسان در این دار فنا
کاخ‌ها سازید از بهر خراب	طفل‌ها زایید از بهر ممات
بگذرد عمر تو چو مرّ سحاب	این کلام از نای حلقوم علی است
در میان راه این عالی‌جناب	همچو این نوحه
هر دو جان دادند آن فرزند و باب	بود فرزند سه ساله در بغل
در جنان شد خدمت ختمی‌مآب	شهرتش سیحون نامش سیدحسن
سال شمسی رفت از این دارفنا	در هزار سیصد و پنجاه و هفت
کن نثارش سوره ام‌الکتاب	شرمی از قبر جوان گر بگذری

شعر درباره صدیقه دارایی باف (م ۱۳۸۳)

رفت از این عالم ناپایدار	ناگهان صدیقه بانو آه آه
بیست بود و پنج سالش در شمار	دختر عباس دارایی که او

زیر یک آوار ماند و جان سپرد
مادرش زهرا ز داغ مرگ او
سوی جنت رفت و دل آسوده
ماه فوت او ربیع الثانی است
بود گرچه چهار ماهه باردار
اشکریزان است چون ابر بهار
از غم و اندوه و دور روزگار
سیصد وهشتاد و سه بعد از هزار

شعر درباره عباس سایه‌کویی (م ۱۳۸۵ق)

و فزت علی الکریم بغیر زاد
محمل الزاد اقبح کل شیء
کریم و نیک‌خو استاد عباس
هزار و سیصد هشتاد با پنج
به روز شنبه میلاد پیمبر
چو بشنید آن ندا لبیک‌گویان
من الحسنات و القلب السلیم
اذا کان الوفود علی الکریم
که بود سایه‌کویی نام فامیل
چو سال از بعد هجرت گشت
ندا آمدش بازآ به تعجیل
روانش سو به رضوان یافت ترحیل

دو نمونه از دسته دوم

چه بگویم از تو مادر
که یگانه تکیه‌گاهم
چه کسی رسد به پایت
به وفا و مهربانی
که صفای خانه بودی
تو در این زمانه بودی
به محبت و صفایت
به جهان یگانه بودی
فلک آخر سبویم را شکستی
الهی ای فلک چرخ نگرود
نهال گفت و گویم را شکستی
که چرخ آرزویم را شکستی

نتیجه

گرچه این پژوهش رویکردی روشی داشته و به دلیل لزوم بهره‌مندی از علوم مختلف کمتر به صورت تخصصی به یافته‌های اجتماعی این قبرستان پرداخته است اما با توجه به ضرورت پرداختن به تاریخ اجتماعی سعی نموده است توجه پژوهش‌گران تاریخ اجتماعی را به قبرستان‌ها جلب کند تا از این منبع جهت تحلیل واقع‌گرایانه از تاریخ اجتماعی یک شهر یا منطقه بیش از پیش بهره‌جسته شود. چراکه تحلیلی جامع از یک جامعه یا تمدن در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و فکری با زیر مجموعه‌های مرتبط با هر کدام کمک بسزایی در آسیب‌شناسی و انتخاب رویکردهای متناسب با پیشینه اجتماعی و تاریخی این

جوامع خواهد نمود. توجه به ویژگی‌های اصیل و ماندگار هر جامعه با توجه به تجارب و پیشینه اجتماعی و تاریخی آن ما را از هر گونه اقتباس یا بومی سازی مدل‌های ناهنگون بی‌نیاز خواهد ساخت. در این بین، شناخت منابع اصیل، تحریف نشده و واقع‌نما یکی از پیش نیازها و زیر ساخت‌های ضروری در تحلیل تاریخ اجتماعی و دست‌یابی به ویژگی‌های حقیقی هر جامعه دانسته می‌شود که معرفی قبرستان‌ها به عنوان یکی از منابع فراموش شده در این حوزه گامی در جهت دستیابی به این هدف خواهد بود.

منابع

۱. ----- آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز، چاپ اول، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۴ ش.
۲. زعیم، کورش، مردان بزرگ کاشان، بی‌جا، ۱۳۳۶ ش.
۳. سلمانی آرانی، حبیب‌الله، سیمای کاشان، چاپ اول، قم، انتشارات بشیر، ۱۳۷۵ ش.
۴. عاطفی، افشین، نامه کاشان، چاپ اول، کاشان، همگام باهستی، ۱۳۸۷ ش.
۵. -----، فهرست‌های خود نوشت فیض کاشانی، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ ش.
۶. کلانتر، عبدالرحیم، تاریخ کاشان، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۷. مرعشی، سید محمود و محمدحسین امینی، فهرست‌واره نسخه‌های خطی آثار علمی فیض کاشانی، چاپ اول، قم، کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی، ۱۳۸۷ ش.
۸. نراقی، حسن، تاریخ اجتماعی کاشان، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۵ ش.
۹. ناجی نصرآبادی، محسن، کتاب‌شناسی فیض کاشانی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. هنگامه دولت‌شاهی، کاشان نگین کبیر، چاپ اول، تهران، هنرسرای گویا، ۱۳۸۵ ش.